

# علاقه‌بندی

علی اکبر علانی

وقت و کارزایدی صرف بافتن آن میشد و ناگزیر بهای آن بالا میرفت و از دسترس طبقات کم درآمد دور میشد. کاخ سلاطین و رجال و شخصیت‌های ممتاز روزگاران کهن بهترین عرصه هنرنمایی و ابراز ذوق علاقه‌بندان بود و پاره‌ای از یادگارهای نادر و گرانقدر این دوران اینک در موزه‌ها و در کنار بازمانده‌های پربهای گذشته‌هاست. درباره زمان پیدایش و سیر دقیق تکامل علاقه‌بندی آگاهی بسیاری نیست، اما در این باره شواهد زیادی در دست است که حکایت از تکامل و تنوع تدریجی اشکال علاقه‌بندی میکنند. فی‌المثل عصر صفوی، دوره اوج و پیشرفت و تکامل این حرفه در ایران بوده است. دوران صفویه دوران آفرینش‌های هنری و شکوفائی و رونق بیسابقه صنایع و هنرهای دستی بود، و در این میان «علاقه‌بندی» جای خاصی داشت. این نکته را ظهور علاقه‌بندان نامداری در عصر صفوی و یادگارهای نادر علاقه‌بندی آن دوره تصریح میکند.

مراجعه بفرهنگ‌های معتبر فارسی و تحقیق و بررسی درباره واژه علاقه‌بندی می‌تواند در روشن شدن طرز کار و کم و کیف علاقه‌بندی در دورانهای گذشته مارا یاری دهد. برای این منظور ناگزیر باید روشی را انتخاب کنیم که در بررسی هر واژه مرکب بکار میرود، بدین معنی که درباره معانی ریشه اصلی آن واژه و همچنین معانی لغات مشتقه، کاوش و تحقیق کنیم. باین ترتیب مطالعه معانی لغات علاق، علاقه، تعلق، علائق و سرانجام «علاقه‌بند» در درک واضح کلمه علاقه‌بندی و نمایاندن بخشی از تاریخ گذشته این هنر و طرز تلقی مردم از آن، تنها و مطمئن‌ترین شیوه به نظر می‌آید.

## ۱ - علاق :

علاق : گسحاب (عربی) آنچه بدان روز گذرانند از علف و قوت و نیز به معنی راه که از آن چرخ چاه آویزند - رسن دلو - علاق کتظام امر است از تعلق یعنی در آویز و چنگ درزن (آندراج)

علاق : دوستی - نظر و نگاه - رسن دلو که از چرخ چاه

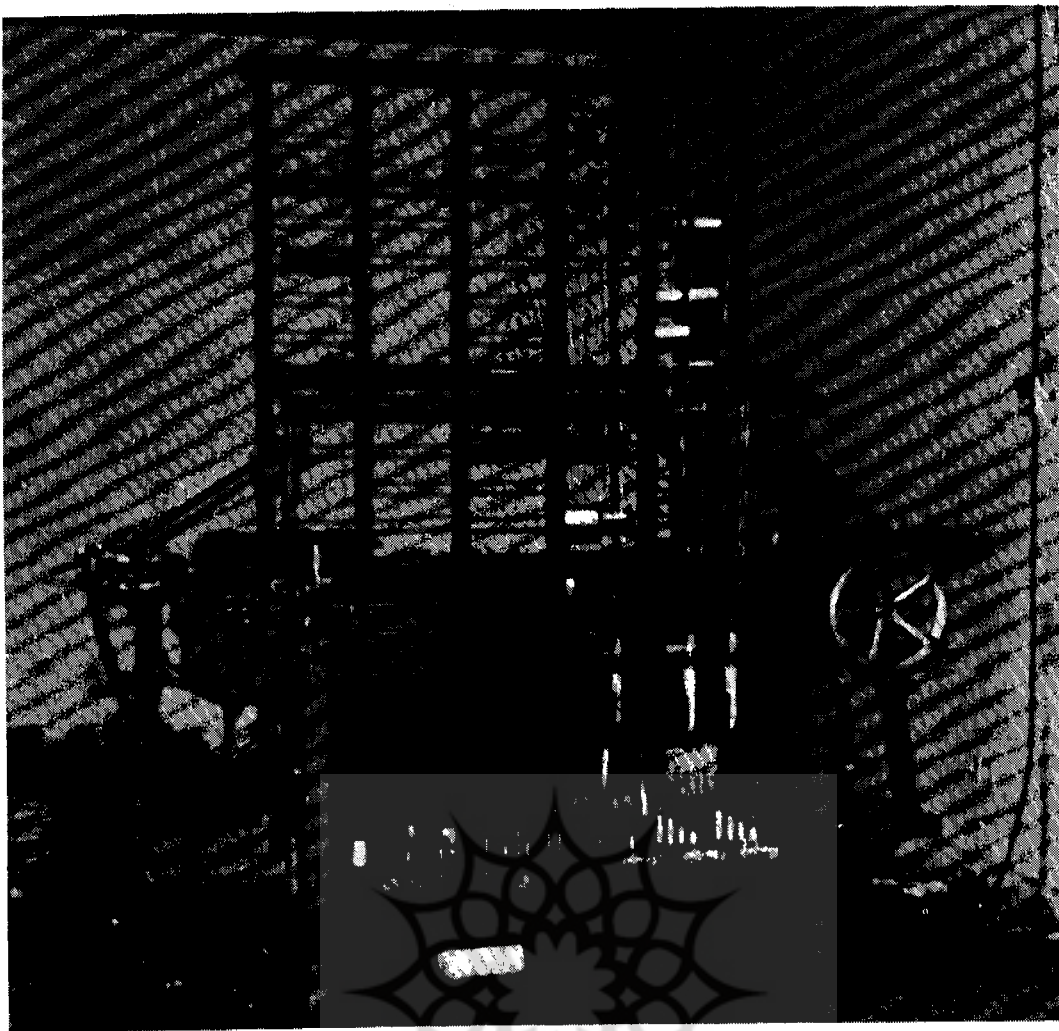
«ماشین» برای بشر هم سازنده و هم ویرانگر بود. تمدن ماشینی در حالیکه ارمغانهای بسیاری با خود همراه داشت، بسیاری از آفرینش‌ها و پدیده‌های گذشته را نیز منسوخ یا ویران کرد. هنر «علاقه‌بندی» یکی از این پدیده‌هاست که زیر ضربات مداوم ماشین در حال احتضار است.

«علاقه‌بندی» را در زمره صنایع مستظرفه نام می‌برند، اما در حقیقت این صنعتی است که بیشتر به هنر نزدیک است و هنری است که بخاطر خصلت فنی‌اش با صنایع دستی قرابت می‌یابد. در حقیقت «علاقه‌بندی» دارای ماهیتی هنری است که از سرچشمه ذوق و قریحه سیراب میشود، اما قالب و پرداخت فنی‌اش مستلزم مهارت و نوعی تکنیک بدوی و بهره‌گیری از وسایل صنعتی است، گیرم که این وسایل ابتدائی و دستی باشد.

موجبی که «علاقه‌بندی» را در برابر ماشین ضعیف کرد و به ماشین امکان داد تا بر آن فایق آید و دگرگونش کند، بیش از هر چیز مقتضیات اقتصادی است، چرا که کاری را که یک علاقه‌بند در طی یکماه با وسایل ساده دستی انجام میدهد، ماشین ظرف چند ساعت به پایان میرساند. ظهور ماشین در عرصه هنر علاقه‌بندی نخست در کیفیت این هنر تغییراتی را باعث شد و بتدریج این تغییر به تبدیل انجامید و هر چه دخالت ماشین در بافتن علاقه‌بندی فزونی گرفت آنرا از اصالت هنری‌اش دور کرد و بشکل یک مصنوع ماشینی درآورد. با اینحال هنوز نیمی از وسایل علاقه‌بندی دستی است و بهمان نسبت ظرافت ذوقی آن برجاست. . .

\*\*\*

علاقه‌بندی یک هنر یا فن تریینی است. این ویژگی علاقه‌بندی را از نخست بصورت یک هنر کاخ‌نشین و اشرافی درآورد. خواستاران علاقه‌بندی در گذشته بیشتر طبقات متمکن بودند، اما ماشین همچنانکه هویت فنی این پدیده را بیشتر کرده انحصار آنرا نیز از میان برد و آنرا به میان مردم آورد. اشرافی‌بودن علاقه‌بندی در گذشته بیشتر بخاطر آن بود که



ماشین مخصوص کارهای علاقبندی

بکسر (ع) آنچه جهت زندگانی کافی و بسنده باشد -  
 مهر و کابین که بر ذمه ناکج لازم نمایند .

علاق جمع است و عقبای آویزش - آنچه بدان روز  
 گذرانند و نیز علاقه جسم ظاهری که بستد و آویزان باشد مثل  
 دوال و تازیانه و شمشیر - زیور و پالکی و غیر آن - بریدن  
 و گستن مستعمل - فارسیان بمعنی طره دستار استعمال کنند  
 (آندراج) .

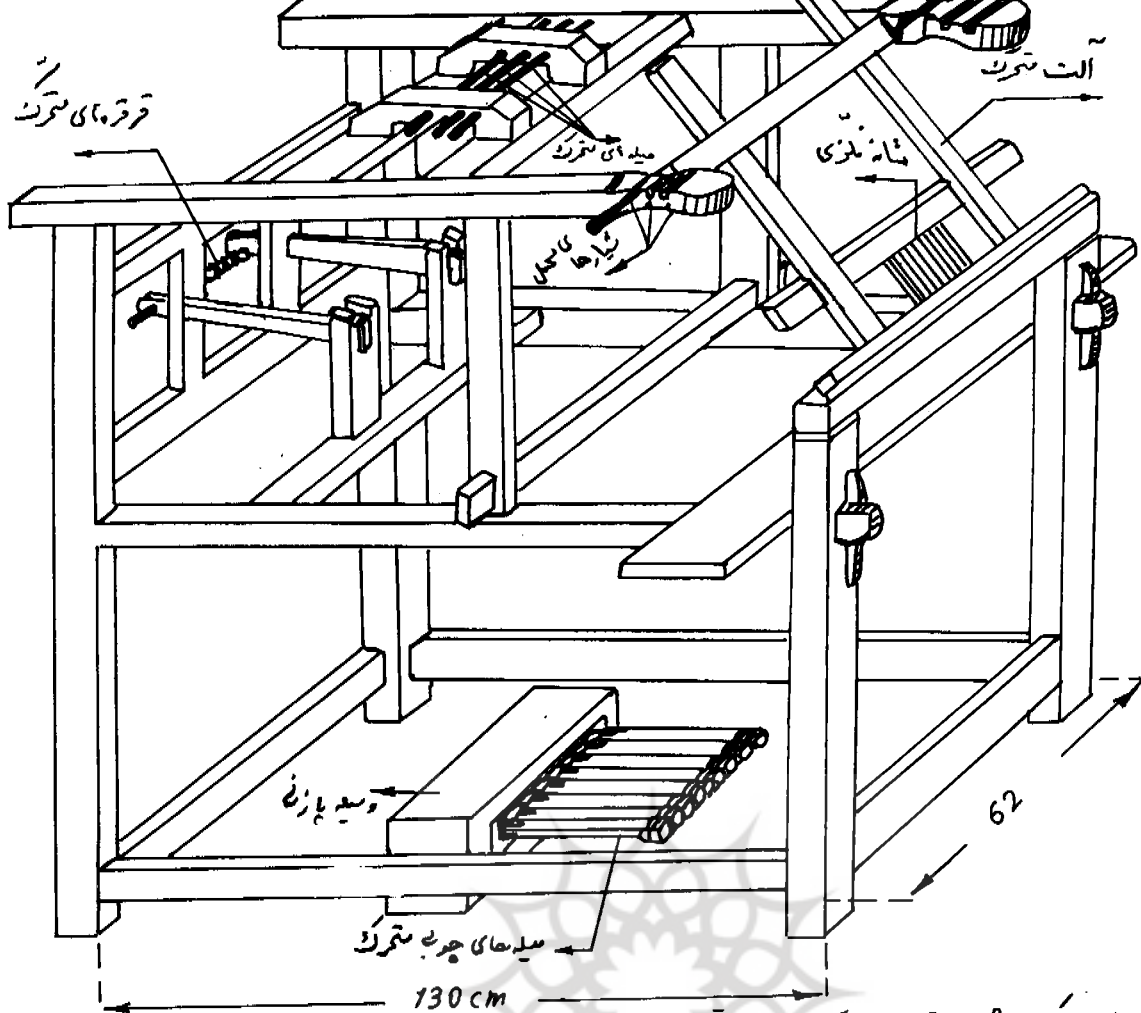
علاقه : بدل دوست داشتن است (اقر - الموارد) .  
 علاق : بکسر «ع» آنچه از میوه بدرختان آویزند -  
 دوستی داشتن و خواهش نمودن (منتهی الادب) .  
 اما در ادبیات فارسی چنانکه مؤلف آندراج نیز اشاره  
 کرده است علاقه بیشتر بمعنی طره دستار استعمال شده است .  
 ابیات زیر در تأیید این نظر است :  
 به سایه علم مصطفی در آن عرصه  
 کز آفتاب شود خم علاقه دستار  
 « عوفی »

آویزند - رسن آویخته (منتهی الادب) .  
 علاق : در دستور زبان عرب اسم فعل است - بمعنی فعل  
 امر یعنی بیاویز و چنگ بزن (قطر المحيط) :  
 علاق : بفتح اول یکنوع گیاه است (اقر - الموارد) .

۴ - علاق :

علاقه : آویزش دل - مناسبت میان دو چیز - رابطه معنوی  
 با کسی داشتن مثل دوستی و دشمنی - آنچه معیشت بدان توان  
 کرد - بکسر اول جسم ظاهری که بسته و آویزان باشد بچیزی  
 مثل دوال و تازیانه و شمشیر - علاقه بمعنی زیور و پالکی و غیر آن  
 (غیاث اللغات) .

علاقه : بفتح «ع» علف و خورش روز گذار - راه -  
 آنچه بران چرخ چاه آویزند - چرخ چاه - رسن دلو - دلو  
 بزرگ - و نیز چرخ دلو یا رسن آویخته در بکره - خواست -  
 بهترین و قیمتی ترین مال و شتر که جهت خوار بار همراه قوم  
 فرستند - دوستی لازم قلبی و خصومت از اضداد است .



ش ۲ طرحی از یک ماشین دستی ۱۳۵۰ آتای هنر ایرانی

طرحی از یک ماشین دستی کارگاه آقای حس پراقچی

### ۳ - علاقه بند

علاقه بند: فارسی، آنکه ابریشم بافد - رشته و غیره از ابریشم سازد و مهندسی بطوه گویند (آندراج).

علاقه بند: سازنده نوار و قیطان - کسیکه ابریشم تأیید و نوار و قیطان فرود (منتهی الادب).

واژه علاقه بند در ادبیات فارسی بکسی اطلاق می‌شده که حرفه او ساختن و فروش قیطان و نوارهای ابریشمی باشد.

سراج‌المحققین در بیت زیر در مصرع اول علاقه را بمعنای دل بستگی و در مصرع دوم بمعنای رشته و یا بند بکار برده است: از بس بود زلف بتانم علاقه‌ای

چشم بود تمام دکان علاقه‌بند  
و حید قرینی قطعه‌ای تحت عنوان «علاقه‌بندان» دارد که ذکر آن بی‌مناسبت نیست:

تذروبال گشاید ز ذوق بر سر سرو

چنانکه بر سر خوبان علاقه دستار

« سلیم »

در ابیات زیر علاقه بمعنای دل بستگی و علاقه باطنی و قلبی بکار رفته است:

زمین شور کند تلخ آب شیرین را

بیر علاقه و پیوند زود از این مردم

« صائب »

درس برای تاج ندارد کنون، که داشت

در کوچکی علاقه بدستار طره دار

« میرزا عبدالغنی قبول »

علاقه‌ام ز تو بگسست و از حیات بریده

تو پا مکش ز سرم گر طیب دست کشیده

« ابوطالب کلیم »

در راسته علاقه‌بندان استاد نشسته پا کشیده خسیبیده و دست‌جمله بر کار کس را آزادی پسندند سوراخ بود دلم چو انبان چنانکه از مفهوم شعر برمیآید علاقه‌بند در کارگاه خود بخاطر تراکم و ظرافت کار و صرف زمان زیاد برای بافتن علاقه‌بندی مانند کارگاههای فرشبافی از کارگران خردسال استفاده میکرد .

سیر و مرور در فرهنگهای معتبر فارسی نمایای این نکته است که در گذشته علاقه‌بند به کسانی اطلاق می‌شد که سازنده و فروشنده نوار و قیطان ابریشمین بودند . اما این حرفه کوچک که در ابتدا منحصر به ساختن و فروختن چند نوع نوار و قیطان بود بتدریج به گونه دیگر حرفه‌ها و صنایع دستی موارد استفاده متعدد پیدا کرد و در نتیجه رشته‌های متنوعی در این صنعت ایجاد شد که بذکر آنها خواهیم پرداخت . متأسفانه در حال حاضر هنر علاقه‌بندی در بسیاری شهرهای ایران رواج دیرینه را از دست داده است ، تنها در شهرهای اصفهان و کاشان و یزد و قم هنوز علاقه‌بندی از رونقی نسبی برخوردار است . در اصفهان حتی بازاری باین نام وجود دارد . در تهران بازار علاقه‌بندان از بین رفته و فعالیت‌های مربوط باین هنر در چند کارگاه خیلی کوچک ، محدود شده است . وسیعترین و مجهزترین کارگاههای علاقه‌بندی فعلی تهران متعلق به آقای حسن یراقچی فرزند مرحوم حاج محمدعلی یراقچی است که خود از علاقه‌بندان بنام بوده است .

#### علاقه‌بندان نامی گذشته

تواریخ گذشته کمتر از علاقه‌بندی و علاقه‌بندان چیره و هنرور دیرین یاد کرده‌اند . در بخشها و فصولی که مورخین به هنر و هنرمندان اختصاص داده‌اند اغلب از نام علاقه‌بندان نشانه‌ای نیست ، فقط گاه و بیگاه در گوشه و کنار به انگیزه‌های گونه‌گون از علاقه‌بندان یاد شده است .

استاد یحیی ذکاء که با دقت و حوصله‌ای که تنها در روح محققین و شیفتگان کشف و آگاهی است ، در اعماق تاریخ و در لابلای اسناد و مدارک گذشته ، چهره‌های برجسته حرفه علاقه‌بندی را یافته‌اند و حاصل این کاوش در این بخش از مقاله «علاقه‌بندی» مورد بهره‌گیری بسیار ما بوده است . از آنجا که اکثر علاقه‌بندان گذشته ذوق و طبع شاعری داشتند در متون تحقیقی آقای ذکاء از اینان گاه بنام « موزون » و « موزونان » نیز یاد شده است و برخی از این متون از علاقه‌بندان با عنوان « شعر با فان » یاد کرده‌اند . « شعر با فان » در اینجا بمعنی سراینده و شعر آفرین نیست چرا که نوعی بافندگی با مو یا ابریشم را در گذشته « شعر بافی » میخواندند .

دمشکی همدانی: از مردم زادگان همدان و پسر حسن بیگ لنگ درودآبادی بود ، او در فن علاقه‌بندی سرآمد اقران و امثال مینمود ولی بینهایت لوند و ولگرد و بی‌باک و بدنفس بود و از این رو در تبریز عس‌بندی شد . ص ۱۹۷ مجمع‌الخواص و تکمله ۴ صفحه ۱۸۳ آئین اکبری .

شراری همدانی: آدمیزاده و برادر مولانا رشکی است . او نیز در فن علاقه‌بندی بدیل است و موزون نیز هست ص ۱۹۴ مجمع‌الخواص .

حاج مظفر: ولد علیرضا بیگ تبریزی ساکن عباس‌آباد اصفهان است . مدتی بعلاقه‌بندی که حرفت آبائی او بود مشغول شده بعدها به سلک شعرا درآمد به هندوستان رفت . ص ۳۴۸ دانشمندان آذربایجان (مرحوم تربیت) .

در صفحه ۴۲۶ صبح گلشن نیز بمطلب فوق اشاره رفته است . آقا نبی شیرازی: بزرگ‌منش و خوش اوقات بود . طبع درویشانه داشت و برای کسب معاش بعلاقه‌بندی همت می‌گماشت ، ص ۱۹۸ طبع گلشن .

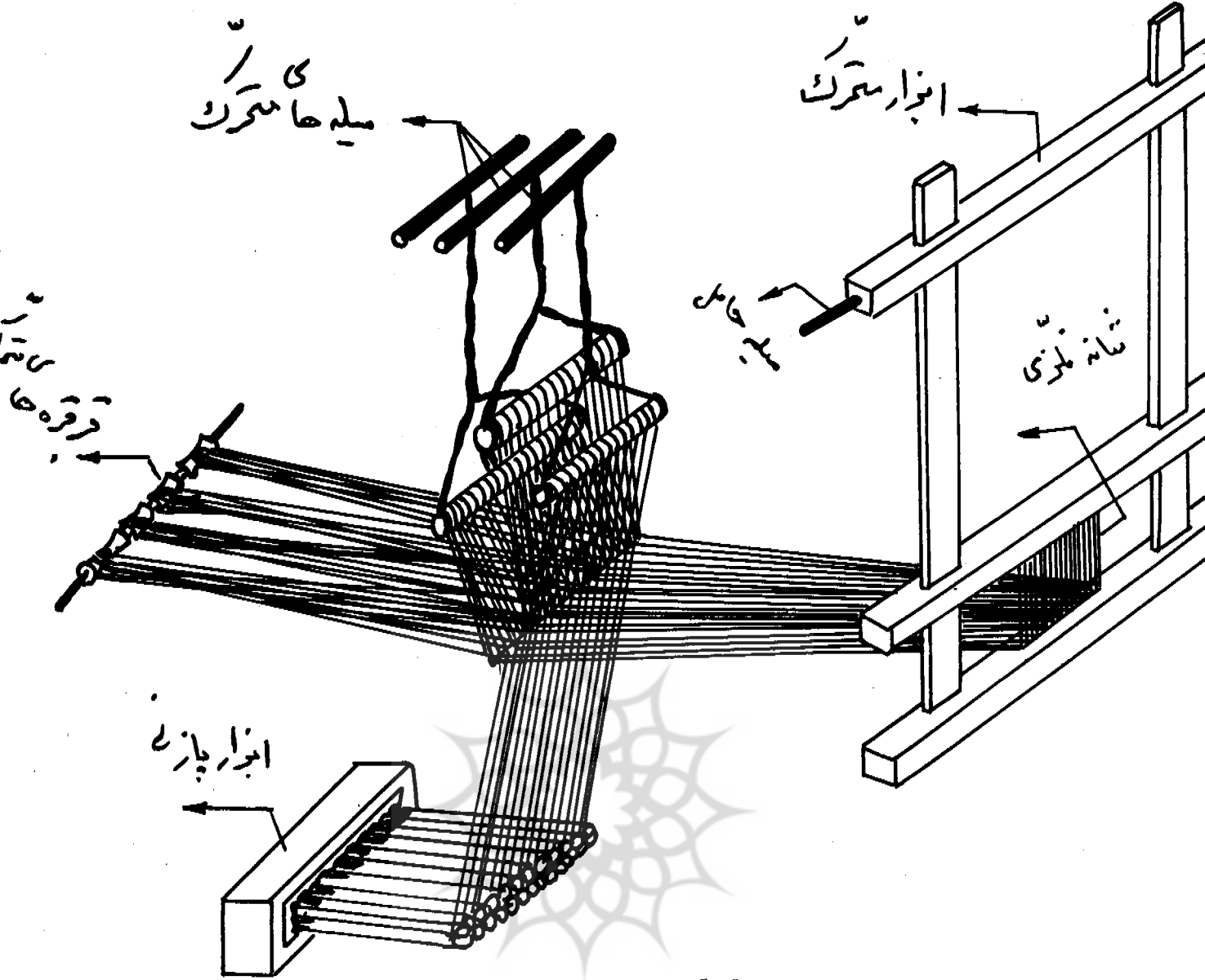
فردی: تبریزی ، در اول بکسب علاقه‌بندی مشغول بود و از معما و دیگر فنون شعر خالی نبود ، تحفه سامی ص ۱۴۲ . آهینای رشتی: علاقه‌بند بی‌بدیل بود در نهایت خوش - خلقی ، چیزی نخوانده بود و سواد نداشت و از تنوع بسیار شعر می‌گفت ، نصرآبادی صفحه ۳۸۰ .

میرصنعی: از اهالی نیشابور است . درویش‌منش و ریاضت-کش است و در فن شعر از راهنمایان اینجانب (صادقی بیگ افشار) و حقیر اکثر رسائل ضروری شعری را در حضور ایشان گذرانیده‌ام . در مدتی متجاوز از سه سال ندیدم که سر بیالین استراحت بگذارد ، در صورتیکه تقریباً نود سال داشت .

لطافت و تراکت طبعش بیشتر از آن است که وصف توان کرد . در فن علاقه‌بندی چنان مهارت داشت که با کاشتن گل و دورنگ نوشته بود . بطوریکه از اسلوب و صافی خارج نشده بود . مصراع این است: «بنگر صنع خدا را بنگر» از رنگ و افشان و کاغذ و همچنین از سرنج و سفیدآب و لاجوردشویی نیز اطلاع داشت . اوصاف حمیده‌اش چندان است که شرح آن در این رساله ننگد ، مجمع‌الخواص صفحه ۶۸ .

قضائی یزدی: آقا محمدصادق شعر باف و شوقش بشعر-گوئی ، ص ۴۲۵ مجمع‌الفصحاء ، جلد ۱ . محمدطاهر اصفهانی شعر باف بود . به محله‌ای در کوشک سکنی داشت . چند سال قبل از این بهند رفت و فوت شد . تذکره نصرآبادی صفحه ۴۳۳ .

کسوتی: در یزد با مر شعر بافی مشغول بود - تذکره آذر . خلیف نیرک: پسر حیات است و درجات حرفیه صاحب وقوف است ، بلکه صاحب اختراع . از جمله در شعر بافی در زیر فلک اطلس نظیر ندارد ، و تا نقش پرداز فلک نیلوفری و استاد



طرحی از طرز قرار گرفتن تار و پود در یک دستگاه قدیمی علاقه‌بندی

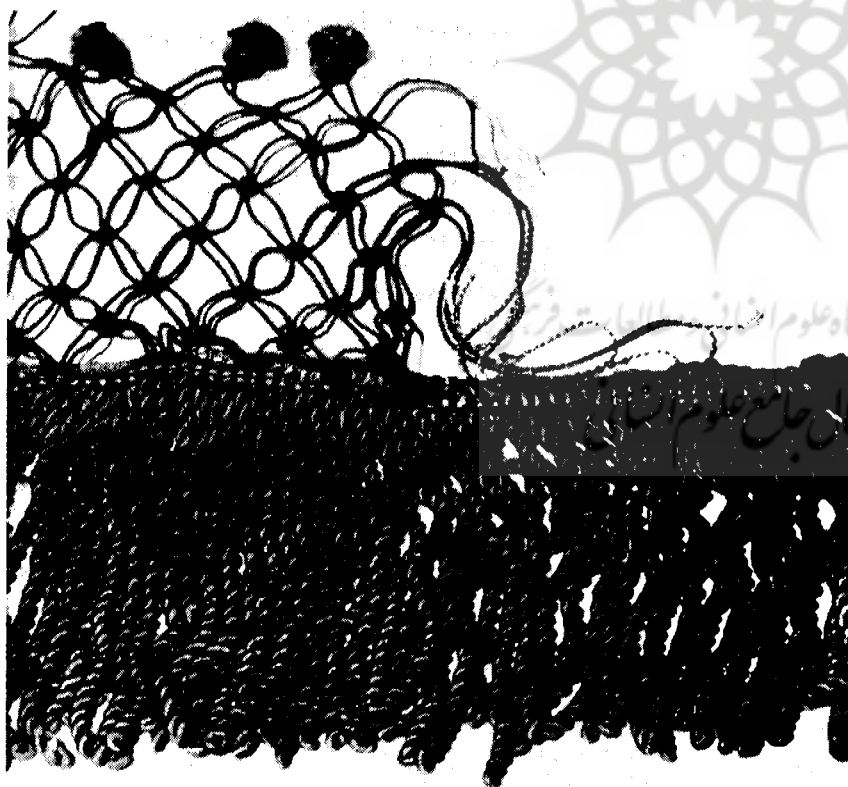
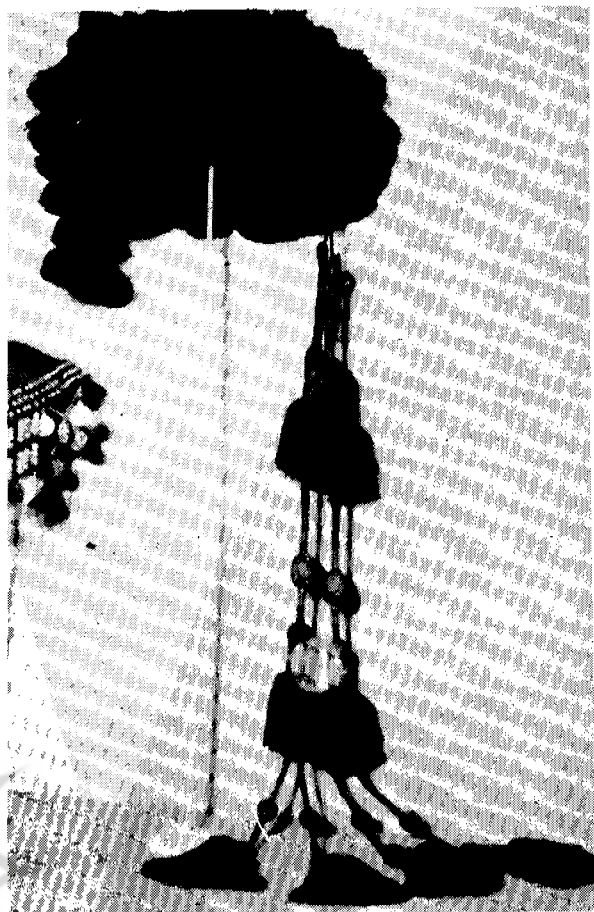
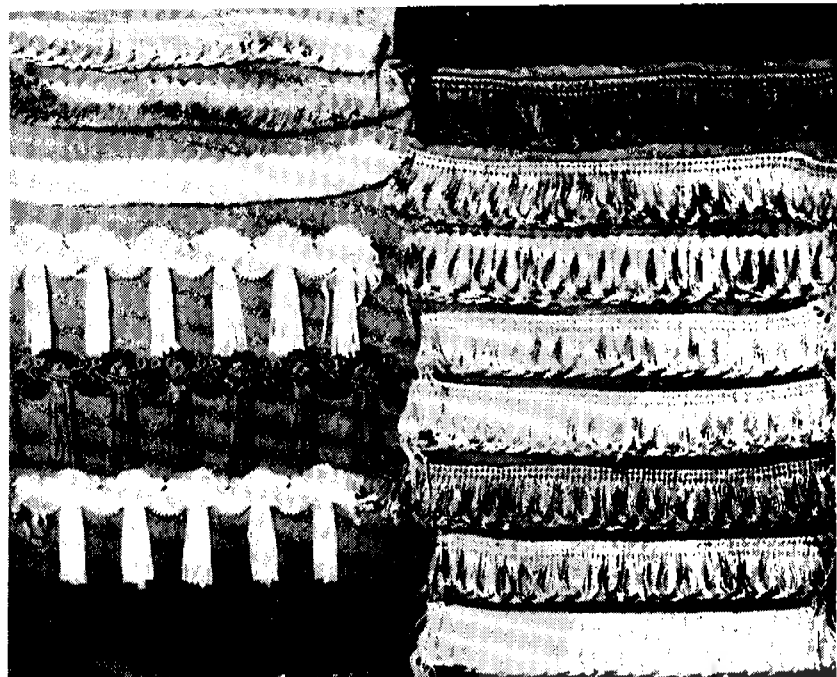
در میان علاقه‌بندان معاصر افراد مبتکر و چیره‌دستی چون مرحوم حاج حیدر علی علاقه‌بند استاد مرحوم حاج علی یراقچی پدر آقای حسن یراقچی را میتوان نام برد. مرحوم حاج محمد علی یراقچی که تا دو سال قبل در قید حیات بود از علاقه‌بندان

کارخانه معصفری تار و پود لیل و نهار بر کارگاه روزگار کشیده مثل اوئی ندیدم. تحفه سامی صفحه ۷۸. جلالای کاشی در کمال درویشی و دردمندی است. مدتهاست که در اصفهان در فن شعر بافی صاحب تصرف بود. اما ذوق شعر بافی از آن کسب‌آورا محروم ساخت «یقینی» تخلص می‌کرد. تذکره نصرآبادی صفحه ۳۳۶.

۱ - کشر: بفتح «شین» و سکون عین بمعنای موی انسان و یا حیوان است و شعار و شعور جمع (فرهنگ عمید).  
 شعر: مأخوذ از تازی موی آدمی - نوعی جامه ابریشمین اعلا و نازک (فرهنگ نفیسی).  
 شعر باف: موتاب: موتاب. شالنگی کسی که پارچه از موی یا ابریشم بافت (فرهنگ عمید).

حاج شاه باقر: از اهالی کاشان است. چند دستگاه شعر بافی داشت و از آن ثمره آنچه بهم میرسیده صرف موزونان و دردمندان میکرد. آب‌انباری در محله پشت مشهد کاشان ساخت. نصرآبادی صفحه ۱۳۸.

\*\*\*



نمونه‌ای از کلاه که در کردستان تهیه میشود  
 سمت راست عکس ریشه‌زری سمت چپ عکس سه ردیف  
 ریشه منگوله‌دار  
 ریشه مشبک از کارهای آقای حسن یراقچی

برجسته تهران بود و به گواهی همکارانش زحمات بسیاری در پیشبرد این حرفه متحمل شد. او ابتکارات زیادی بخرج داد و ضمناً قسمتی از ترئین در کاخهای سلطنتی را از دوران قاجاریه تا چند سال پیشتر بعهده داشت. از دیگر علاقه‌بندان معروف محمدحسین یراقچی و آقامیرزا احمد یراق‌باف و حاج غلامحسین یراقچی را میتوان نام برد.

\*\*\*

نخ و رنگ عناصر اصلی علاقه‌بندی است که بافنده ذوق و مهارت خود را در چگونگی کاربرد آنها نشان میدهد. کار علاقه‌بندی حیطة وسیعی دارد که در محدوده آن با رشته‌های گوناگون ظریفی رودررو می‌شویم:

نقده دوزی، ده یک دوزی، ملیله دوزی، منجوق دوزی، مروارید دوزی، پولک دوزی، سجاج دوزی، مغزی دوزی، قتیله دوزی (آجیده)، قلاب دوزی، یقه دوزی (سلسله دوزی)، لسه دوزی، سوزن دوزی، شماره دوزی (مرشکا)، پیله دوزی، آئینه دوزی، تکه دوزی، ابریشم دوزی، گلدوزی، زرد دوزی، سیم بافی، زرکشی. و با اینکه رشته‌های فوق هر یک مستقل اند و تبحر و مهارت متمایزی را می‌طلبند، اکثر علاقه‌بندان در این زمینه‌ها نیز دستی بلند داشته‌اند و حتی در پیشبرد این رشته‌ها و تنوع و تکامل آن نقشی مؤثر ایفا کرده‌اند.

تأثیر علاقه‌بندان در رشته‌های یاد شده گاه تا حد ابتکار و خلق و سالی بوده‌است که موجب جهش و تغییری کیفی در رشته مزبور گردیده است.

بدینسان علاقه‌بندی جایگاه ویژه‌ای در میان صنایع مستظرفه بخود اختصاص میدهد:

علاقه‌بند با تهیه یراق در پیشبرد زنجیره دوزی مؤثر می‌افتد و یا با تهیه گلابتون و ملیله در پیشبرد ملیله دوزی و گلابتون دوزی نقش می‌یابد و در دیگر رشته‌ها نیز به نحوی تأثیر می‌بخشد... اینک چگونگی علاقه‌بندی و ترکیب عناصر آنرا مرور کنیم:

الف - تهیه نخ: که از وسایل اولیه و اصلی کار علاقه‌بند است ابریشمین است. در گذشته نخ مورد نیاز علاقه‌بند به شیوه‌های ابتدائی و دستی تهیه می‌شد، ولی اینک به یاری ماشین‌های مدرن و مجهز تهیه می‌گردد. علاقه‌بندان پیشین نخ‌های از بعضی فلزات مانند طلا و نقره و مس تهیه می‌کردند که اکنون این نخ‌ها نیز وسیله ماشین فراهم میشود. بزرگترین صادرکننده این گونه نخ‌ها در دنیا در حال حاضر فرانسه و سوئد اند.

ب - رنگ آمیزی: رنگ آمیزی مهمترین رکن کار علاقه‌بندی است و بیشترین مهارت و ذوق در جریان رنگ آمیزی بکار می‌آید. جنبه هنر کار علاقه‌بندی بیشتر مرهون ترکیب و تهیه رنگ، و کاربرد آنست.

علاقه‌بند باید با گذشت زمان مهارت کافی در رنگ آمیزی

بدست آورد تا بتواند رنگ نخ‌های سفید، نوارها و منگوله‌ها و حاشیه‌های بافته شده را هماهنگ و همسان با رنگ پارچه‌ای کند که این نوارها و حاشیه‌ها به آن متصل خواهد شد. و با این‌گزینش باید به زبان رنگها راه یابد و جلوه و رخسندگی هر رنگ را در رنگ همزادش دریابد.

ج - بافندگی: بافندگی در علاقه‌بندی يك کار شالوده‌ای است. در گذشته وسایل اولیه و دستگاه‌های كوچك دستی و چوبی قسمتهائی از کارهای بافندگی را انجام میدادند، ولی اینک ماشین قسمتی از کار بافندگی را بعهده گرفته است. (ش ۱ و ۲ دو وسیله مدرن و اولیه ماشینهای بافندگی را نشان میدهد). بخاطر اهمیت اساسی کار بافندگی در علاقه‌بندی ضروری بنظر می‌آید که کارهای مربوط بیافندگی را تقسیم‌بندی کنیم و تا حد امکان بشرح هر یک از اجزاء آن بپردازیم: بافندگی شامل ریشه بافی، یراق بافی، قیطان بافی، طناب بافی و نوار بافی است.

ریشه بافی: قسمت اعظم بافت ریشه، وسیله ماشین انجام می‌گیرد. ریشه‌ها، همه ابریشمی هستند و در ترئین حاشیه شالها و روسری‌ها (علاقه دستار)، بقچه و سوزنی، روتختی و رومیزی بکار می‌روند. نیز استفاده از آن در حاشیه سایه بانها، جایگاهها، پرچمها، مبلها، لباسها، دامنه و بالان پرده‌ها بمنظور جلوه‌دادن و زیبایی بخشیدن مرسوم است.

سه نوع اصلی آن با این نامها و مشخصات پیدا میشود: ریشه مبلی به سه شکل ساده و منگوله‌وار و شبکه‌دار دیده میشود (ش ۴ و ۵).

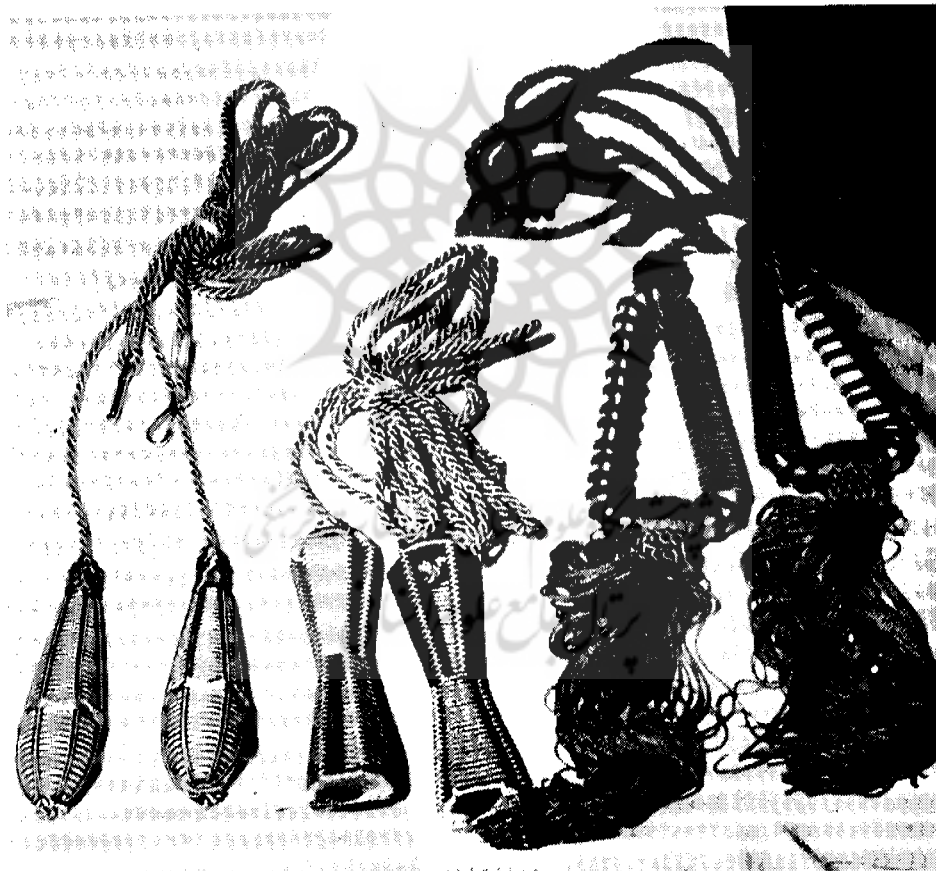
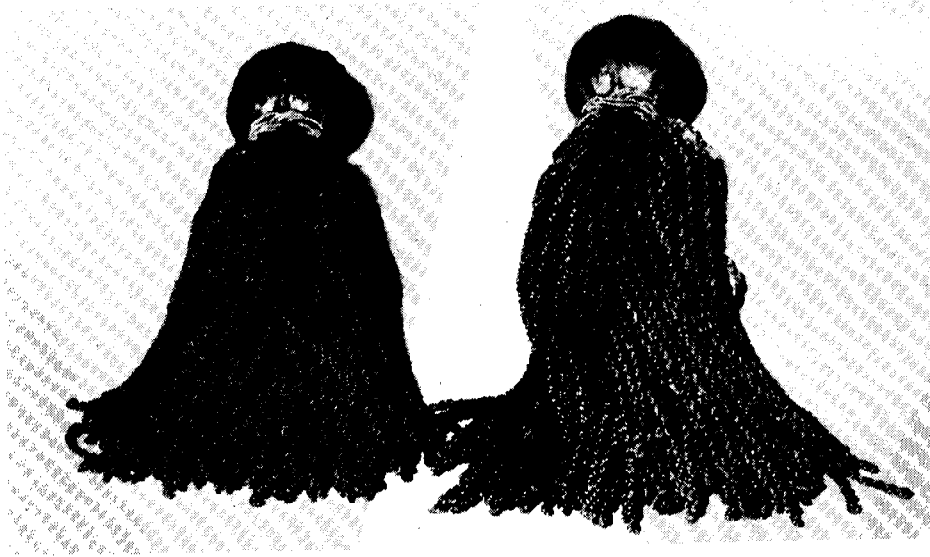
ریشه پرده‌ای به صورتهای ساده، تكت تكت و منگوله‌دار تهیه میگردد. ریشه‌های لباسی: ساده است.

پهنای ریشه‌ها بین ۲ تا ۷ سانتی‌متر تغییر می‌یابد. بسا پهنای ۲ تا ۶ سانتی‌متر در حاشیه پرده‌ها مصرف میشود. بسا عرض‌های ۶ تا ۳۰ سانتی‌متر، در مبل بکار میرود. در لباس انواع ۶ تا ۷۰ سانتی‌متری آن مورد استفاده است.

منگوله بافی: قسمتهائی از بافت منگوله با دست و قسمتهائی از آن با ماشین انجام می‌گیرد. از منگوله بیشتر برای ترئین حاشیه پرده‌ها و چادرها استفاده می‌کنند، هر چند که موارد مصرف آن با ذوق و سلیقه تهیه‌کننده و مصرف‌کننده، رابطه مستقیم دارد. (ش ۶ - کلاه منگوله‌ای کردستان، موزه مردم‌شناسی و پتربین کلاه‌ها).

در میان منگوله‌های مختلف نوعی که بکلاه‌های مخصوص تشریفاتی گاردهای تشریفات نصب میشود (ش ۷) منگوله تشریفات نام دارد. نوعی از آن که به بندهای پرده‌های کرکره‌ای متصل است، منگوله‌کش خوانده میشود.

آپولیت نیز منگوله‌ای شرابه‌مانند است که در لباسهای



بالا : دو عدد منگوله تشریفات مخصوص نصب به کلاههای تشریفاتی - کار آقای حسن یراقچی

پائین : منگوله‌های کشش پرده



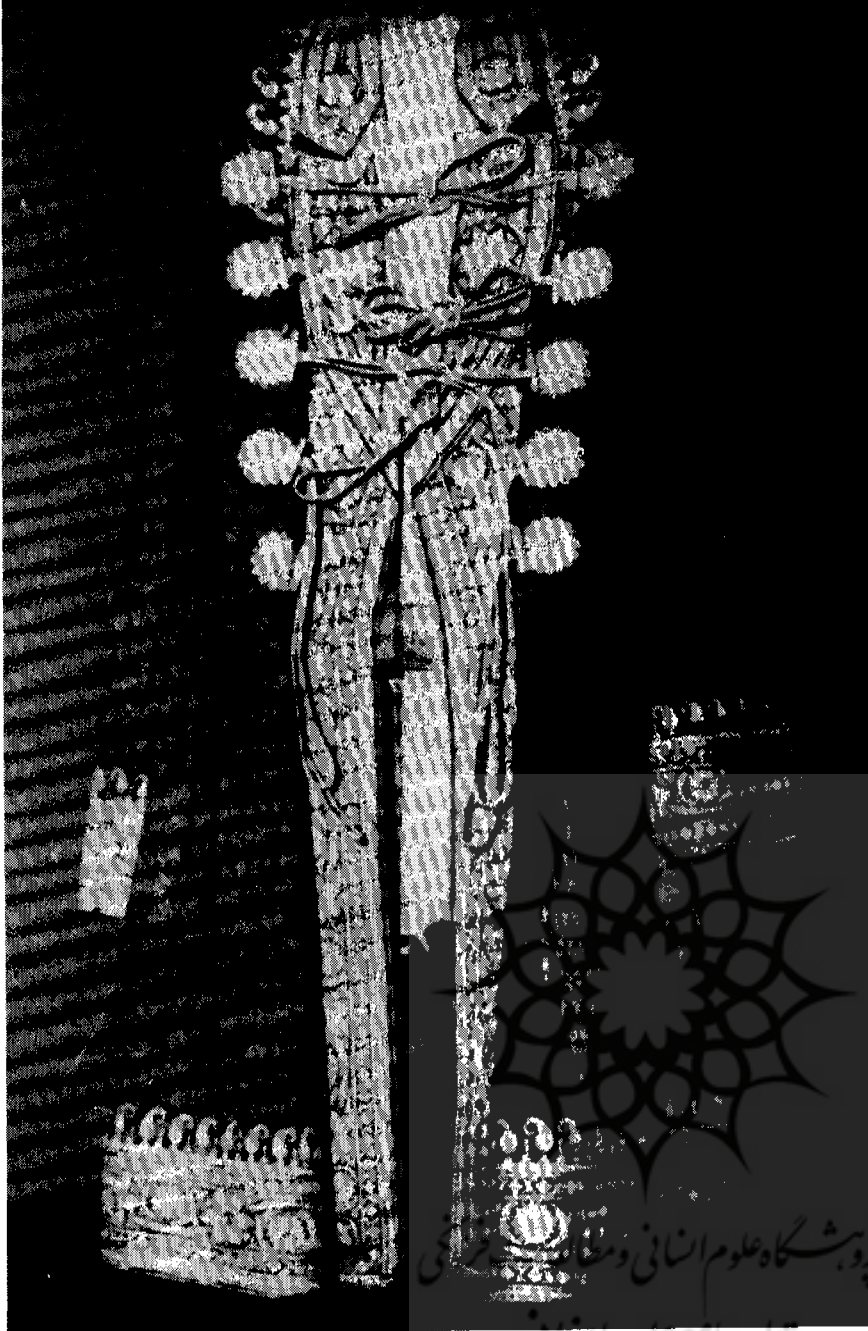
افسران ارشد، روی پاکون و درمنتهی الیه شمشه‌ها جا می‌گیرد. آخر از بورقه بگوئیم که آنرا به شمشیرهای تشریفات در سلامها می‌آویزند .

یراق بافی : نوعی نوار که از سیمهای نازک فلزی بافته میشود ، یراق نام گرفته است مواد اولیه بافت یراق را زرکش‌ها و سیم‌سازها برای علاقبندان از طلا و نقره و مس و برنج آماده می‌کنند . البته یراقهای مسین را گهگاه با لایه‌ای از زر

می‌پوشانند تا سیاه نشود . اکنون در اصفهان ، چند کارگاه کوچک یراق بافی بکار مشغول است ، اما بیشتر یراق مصرفی ایران از آلمان و سوئد میرسد . یراق در لباسهای نظامی ، چادرهای زنانه قدیم ، لباسهای زنانه مخصوصاً لباسهای محلی مورد مصرف دارد . نمونه‌های جالبی از یراق در عکسهایی که از لباس وزراء و سلاطین قدیم در دست است نیز به چشم می‌خورد . نمره‌های یراق که اندازه آن را به سانتی‌متر مشخص

سمت راست عکس حاشیه پرده سمت چپ عکس بند پرده





سرداری شمس‌دار - در موزه مردم‌شناسی

طناب بافی : درسه نوع مختلف از نظر بافت تهیه میشود : جودانه‌ای ، پله‌ای و ساده یا (سرمه‌ای) طنابهای ابریشمی در پرچمها و نیز در تفکیک جایگاههای مخصوص تشریفاتی ، بکار می‌رود . نوعی از این که قطر بیشتری دارد ، طناب تفکیک خواننده میشود و برای تزئین نرده‌ها ، راه پله‌ها و سرسراها مورد لزوم است . دیگر از مصارف طناب ، استفاده آن در پرده‌های کرکره‌ای ، واکسیلهای نظامی و شرابه‌ها است . قطر طناب از ۸ تا ۴۰ میلیمتر تغییر می‌کند .

نوار بافی : نوار در اصطلاح علاقبندان گالون است . به حسب عرض نمره گذاری میشود . بیشتر در حاشیه لباس و پرده

می‌کند : ۱ ، ۲ ، ۲۵ ، ۳ و ۴ است . وبه شکل‌های ساده ، مارپیچ ، زنجیره‌ای و منقوش به فروش میرسد . یراق واژه ترکی است .

قیطان بافی : از کارهای اصلی علاقبندان است که در گذشته به آن اشاره شد . موارد مصرف متعددی دارد . اما بیشتر برای تزئین و زیبائی بکار گرفته میشود . قیطانها یا ابریشمی هستند یا نخی . اگر چه بنازگی از ابریشم مصنوعی و پلاستیک هم بافته میشود . نمره و اندازه آن نسبت به قطرش که بین سه تا ۷ میلیمتر است و با چرخهای ویژه‌ای بافته میشود تعیین و نامگذاری می‌گردد .

مصرف میشود. از معروفترین نوارهای علاقه‌بندی نوار سرمه است که آنرا درلبه لباسها بکار می‌گیرند.

در تهیه نوار، رنگ‌آمیزی و هماهنگی رنگ‌ها مورد نظر است. نوارهای زربفت بهترین و گرانترین نوع نوار است. علاوه بر کارهایی که به آن اشاره شد، علاقه‌بندان بسته به ذوق و سلیقه و مهارت‌های شخصی، کارهای جنبی دیگری نیز انجام می‌دهند، از آن جمله بافت دکمه‌های مخصوص، نشانها، کمرهای یراق‌دار تشریفاتی برای آویختن شمشیر در مراسم مخصوص، شمشه‌ها، پاگونها، سردوشی‌های تشریفاتی و نظامی، واکسیل و... نیز کارهایی تزئینی نظیر آراستن لباسهای تشریفاتی، سراپرده‌ها، سرسراها، راه‌پله‌ها، جایگاههای مخصوص را علاقه‌بندان انجام میدهند. ملیله و پولک‌دوزی و پوشه‌وشنل‌های تشریفاتی اجراء زردوزی تاج‌ها و نیم‌تاج‌های مخصوص تشریفات و بسیاری اعمال دیگر نیز از این دست به علاقه‌بندان واگذار می‌شود.

بند پرده: در میان کارهای متعدد اختصاصی علاقه‌بندی، ساخت وسیله‌ای تزئینی به اسم بند پرده جای ویژه‌ای دارد. بند پرده انواع فراوانی دارد که با نام منگوله‌هایش خوانده میشود. برای ساخت آن خراط قالبهایی به اشکال مختلف تهیه می‌کند و روی این قالبهای چوبی ابریشم‌دوزی انجام می‌گیرد. قالبها بیشتر به شکل گلابی، تنبوشه‌ای، فنجان، کاسه‌ای، پولکی هستند و بند پرده نیز بهمین نامها خوانده می‌شود. شمشه: در گذشته، یا بهتر تا اوایل دوره پهلوی، در طرفین لباسهای رجال، دو گل جواهر نشان بشکل صدف به چشم

می‌خورد. این گلها که از نخهای طلایی بافته میشد و شباهتهایی با خورشید داشت، شمشه خوانده شد. شمشه‌ها گاهی شراپه‌های مروارید نیز به‌مراه داشتند که به آن شمشه مروارید نشان می‌گفتند.

سرمه: برون ترمه نوعی قیطان است که در دور میل و پشتی و سرآستین و حاشیه لباسها بکار میرود. سرمه‌های نازک در گلدوزی مصرف دارد. جنس آن ابریشمی است. و قطرش از ۲ تا ۱۰ میلی‌متر است. رشمه اصطلاح دیگری برای سرمه است.

مغزی: نوار یا ماهوت باریکی است که لای ۲ پارچه می‌گذارند و گاهی ریشه هم دارد (مغزی مبلها).

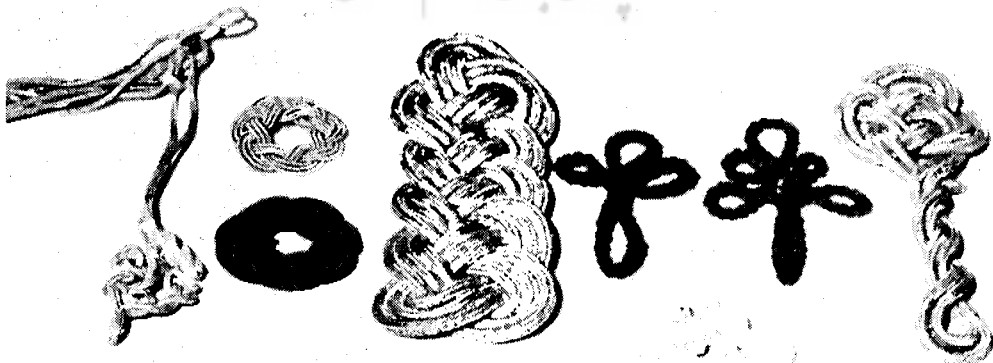
اما همپای اختراع ماشین‌های مختلف و پیشرفت ماشینی‌شدن صنایع، در کارهای علاقه‌بندی نیز ماشین‌چهره نشان داده‌است. با اینهمه هنوز هم نیمی از این کارها با استفاده از روش‌های دستی انجام می‌گیرد. به‌ر صورت دستگاههای مربوط بکار علاقه‌بندی اینهاست:

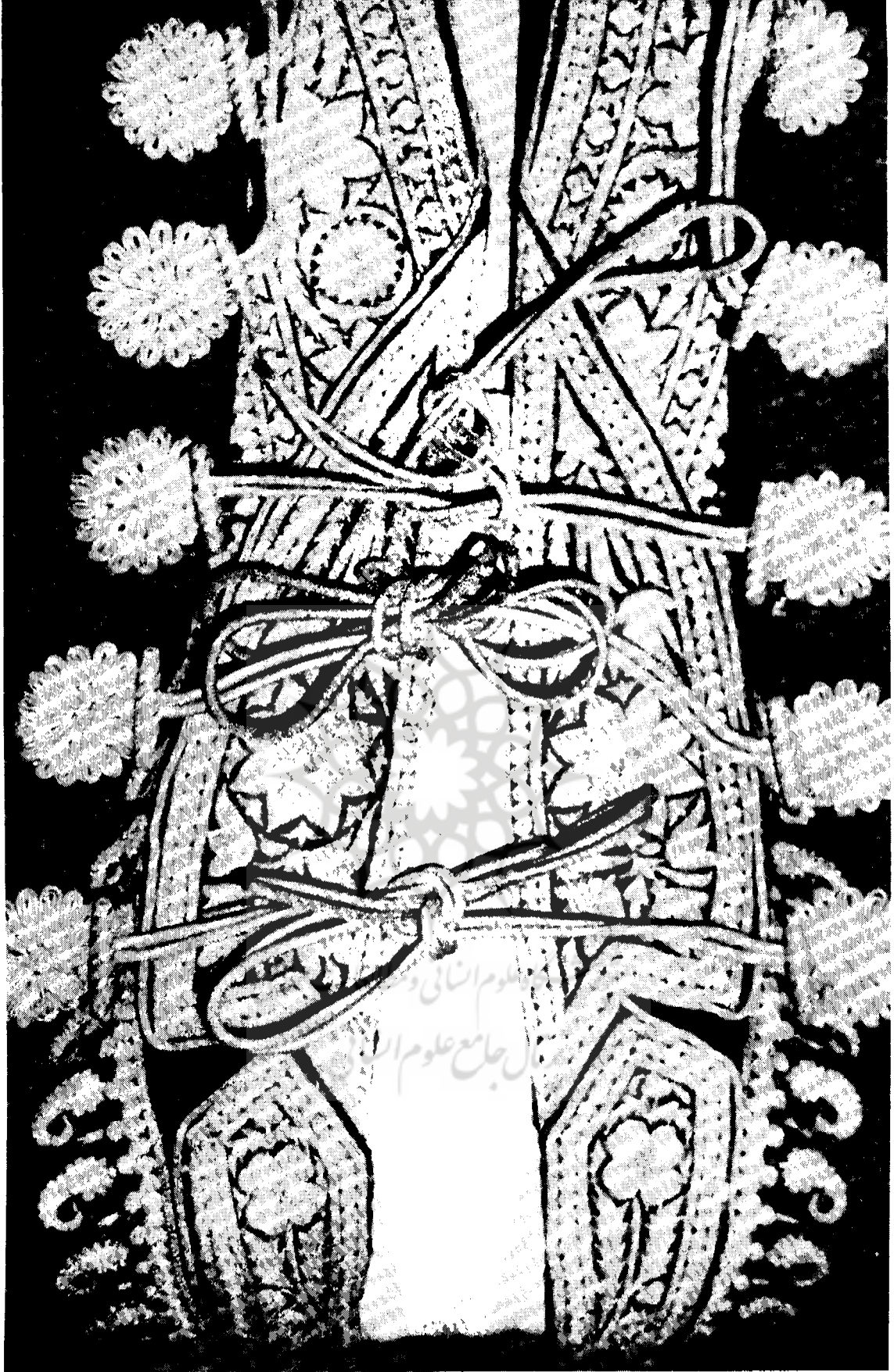
ماشین نواربافی، ریشه‌بافی، منگوله‌بافی، ابریشم‌تایی، سرمه‌تایی، طناب‌تایی، قیطان‌بافی، سنبله‌بافی، برزنت‌بافی، یراق‌بافی، سیم‌سازی و فنخ پیچی.

لازم است از استاد یحیی ذکاء که در تهیه این مطلب راهنمایی‌هایشان همراه بوده و یادداشتهایشان مددها رساند تشکر کنم. نیز از فیروزی و دامادیان مسئولان موزه مردم‌شناسی و حسن یراقچی تنها علاقه‌بند پایتخت، متشکرم.

ژوهرشناسی شمشه و قلاب و دکمه

پرتال جامع علوم انسانی





سرداری شمس‌دار در موزه مردم‌شناسی